

---

# اسطربلاب حق

---

گزیده فیہ مافیہ

انتخاب و توضیح  
محمدعلی موحد



نتروا

تہران

۱۳۹۹

## فهرست

### مقدمه: سیری در آثار منشور مولانا

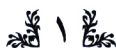
۷

- ۸ ..... ادوار دوگانه زندگی مولانا
- ۱۰ ..... مجالس سبعه
- ۱۵ ..... مکتوبات
- ۲۲ ..... مقالات مولانا یا فیه مافیه
- ۲۵ ..... گزیده فیه مافیه

### گزیده فیه مافیه

۲۷

- ۲۷۵ ..... فهرست تحلیلی مطالب
- ۲۷۹ ..... فهرست قصه‌ها
- ۲۸۱ ..... فهرست آیات و احادیث
- ۲۸۳ ..... فهرست لغات



سخن سایهٔ حقیقت است و فرع حقیقت. چون سایه جذب کرد، حقیقت به طریق اولی بود. خود سخن بهانه است. آدمی را با آدمی آن جزو مناسب جذب می‌کند نه سخن.<sup>۱</sup> بلکه اگر صدهزار معجزه و بیان و کرامات ببیند چون در او از آن نبی و یا آن ولی جزوی نباشد مناسب، سود ندارد. آن جزو است که او را در جوش و بی‌قرار می‌دارد. در گه از کهربا اگر جزوی نباشد هرگز سوی کهربا نرود. آن جنسیت میان ایشان خفی است، در نظر نمی‌آید.

آدمی را خیالِ هرچیز با آن چیز می‌برد.<sup>۲</sup> خیالِ باغ به باغ می‌برد، و خیالِ دکان به دکان. اما در این خیالات تزویر<sup>۳</sup> پنهان است. نمی‌بینی که فلان جایگاه می‌روی پشیمان می‌شوی و می‌گویی پنداشتم که خیر باشد، آن خود نبود. پس این خیالات بر مثالِ چادرند و در چادر کسی پنهان است، هرگاه که خیالات از میان برخیزند و حقایق روی نمایند بی‌چادر خیال، قیامت باشد. آن‌جا که حال چنین شود پشیمانی نماند.

هر حقیقت که تو را جذب می‌کند چیز دیگر غیر آن نباشد، همان حقیقت باشد که تو را جذب کرد *يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ*<sup>۴</sup>. چه جای این است که می‌گوییم. در حقیقت گشوده یکی است اما متعدد می‌نماید. نمی‌بینی که آدمی را صدچیز آرزوست گوناگون؟ می‌گوید *تُتَمَاج*<sup>۵</sup> خواهیم. *بُورَك*<sup>۶</sup> خواهیم، حلوا خواهیم، *قَلِيَه*<sup>۷</sup> خواهیم، میوه خواهیم، خرما خواهیم. این عددها می‌نماید و به گفت می‌آورد، اما اصلش یکی است. اصلش گرسنگی است، و آن یکی است. نمی‌بینی چون از یک چیز

سیر شد می‌گوید هیچ از این‌ها نمی‌باید؟ پس معلوم شد که ده و صد نبود بلکه یک چیز بود.

### کتابخانه

۱ کسی که مجذوب سخن دیگری می‌شود در حقیقت مجذوب خود او می‌شود. در او چیزی از خویشتن می‌یابد که به سوی او کشانده می‌شود. تأثیر سخن منوط بر آن است که در شنونده زمینه مناسب برای گرفتن آن وجود داشته باشد. این معنی را شمس تبریز در چند جا از مقالات خود (از جمله در صفحه ۶۴۰) در میان آورده است: «هرگز پیغامبر علیه‌السلام نیامد که آن را که آن نیست خبری کند». حتی انبیا قادر نیستند چیزی را که تو خود نداری به تو بدهند: «الآن را که آن دارد خبرش کند» و بگوید که «آخر تو نیز داری» (نگاه کنید به ص ۶۸، توضیح شماره ۴ کتاب حاضر). دست‌افزار کار انبیا سخن است و چنان‌که مولانا در جای دیگری از همین فیه‌ما‌فیه آورده است «سخن را فایده آن است که تو را در طلب آرد و تهیج کند، نه آن‌که مطلوب به سخن حاصل شود» (کتاب حاضر، ص ۲۱۲). و تأثیر سخن چنان‌که در این جا می‌گوید بسته به آن است که در میان‌گوینده و شنونده مناسبتی باشد.

۲ در این جا مولانا به یک تحلیل روان‌شناختی می‌پردازد. آدمی را خیال هرچیز با آن چیز (یعنی به آن چیز و به سوی آن چیز) می‌برد. انسان که چیزی را می‌خواهد نخست صورتی از آن در ذهن خود ترسیم می‌کند و پس به دنبال آن در تکاپو برمی‌آید. اگر می‌خواهد خانه‌ای بسازد نخست آن را در کارگاه خیال خود می‌سازد و انگاه می‌کوشد تا خانه را درست مطابق آن صورت ذهنی درآورد. اما نقشبند خیال دلالة محتالی است و کارگاه خیال عرصه تزویر است. در این عرصه دوگونه تزویر و فریبکاری بر سر راه ما هست: اول آن‌که عروسان آرزوهای ما هیچگاه خود را چنان‌که هستند نمی‌نمایند. آن‌ها چادر خیال بر سر کرده‌اند و از پشت این چادر به عشوه‌گری و دلبری برمی‌خیزند و از این‌روست که انسان بسا کاری را می‌کند و بعد پشیمان می‌گردد، زیرا درمی‌یابد که مشاطه خیال فریبش داده، و آنچه را که به دست آورده نه آن است که می‌خواسته است.

فریبکاری دوم آن‌جاست که این آرزوها و خواست‌ها خود را مستقل و اصیل جلوه می‌دهند و ای بسا که در واقع چنان نیستند بلکه نمایش‌های گونه‌گونه از یک امر دیگری هستند که ما آن را درست نمی‌شناسیم و تنها با مظاهر آن که به شکل خواست‌های متنوع درمی‌آید آشنا هستیم. مولانا در این جا مثال از آدم گرسنه می‌آورد که انواع و اقسام خوردنی می‌خواهد: تتماج می‌خواهد و بورک می‌خواهد و حلوا و قلیه و میوه و خرما. ولی او در واقع یک چیز بیش‌تر نمی‌خواهد و آن رفع گرسنگی است. و از همین‌رو است که چون چیزی خورد و سیر شد دیگر آن آرزوها و خواست‌ها پیش او جلوه‌ای ندارد و رنگ و رو می‌بازد.

- ۳ تزویر: چیزی را برخلاف واقع آراستن و به دروغ جلوه‌دادن؛ فریبکاری.  
 ۴ آن روز که رازها آشکار گردد (سوره طارق (۸۶)، آیه ۹). منظور روز قیامت است.  
 ۵ تتماج: آش که با نان و خمیر پزند؛ آش رشته.  
 ۶ بورک: سبزی، پنیر یا گوشت کوبیده که در خمیر پیچند و در روغن سرخ کنند. چیزی است شبیه پیراشکی که هم‌اکنون در ترکیه متداول و به همین نام بورک شناخته است.  
 ۷ قلیه: گوشت بریان.